

انسیه شاه‌حسینی: حضور سلبریتی‌ها روایت فیلم‌را مخدوش می‌کرد

است. شاه‌حسینی درباره چرایی استفاده از لباس‌هایی با رنگ‌های امروزی در فیلم گفت:این‌طور نیست‌ومن از لباس‌های خودم که از دهه ۶۰ داشتم، در این فیلم استفاده کردم.

این کارگردان درباره استفاده از بازیگران بومی در این فیلم گفت: پایه فیلم من مستند است و حضور سلبریتی‌ها این روایت را مخدوش می‌کندبه‌خاطر همین از بازیگران بومی استفاده کردم.



حسین تراب‌نژاد و احسان لطیفیان با برداشتی آزاد از کتاب «آپاراتچی» نوشته روح‌الله رشیدی، فیلم‌نامه این فیلم را نوشته‌اند. تورج الوند، فاطمه مسعودی‌فر، رضا ناجی، هومن برق‌نورد، بهنام تشکر، امید روحانی و علیرضا استادی در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند.

مجموعه تلویزیونی را کارگردانی کرده و با «آپاراتچی» به جشنواره فجر آمده است. این فیلم داستان دل‌بستگی‌های یک نقاش ساختمان عاشق سینما را روایت می‌کند که با اشتیاق تمام چند فیلم کوتاه تولید کرده و در آرزوی ساختن نخستین فیلم سینمایی خودش است.

« صبا کریمی» «آپاراتچی» به کارگردانی علی طاهر فر و تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی محصول مشترک بنیاد سینمایی فارابی، سازمان سینمایی سوره و مدرسه سینمایی اندیشه و هنر «ماه» است که در بخش «نگاه نو» فجر چهل‌ودوم حضور دارد. طاهر فر چندین فیلم کوتاه و

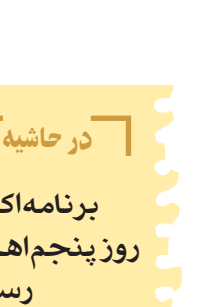


عذرخواهی وزیر ارشاد از ناهماهنگی‌های جشنواره فیلم فجر

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره راه ندادن هنرمندان به جشنواره گفت: اگر برای هر کسی این اتفاق افتاده من عذر خواهی می‌کنم. بلافاصله به همکاران گفت‌م اگر خدای نکرده ناهماهنگی‌هایی شده جبران کنند. وی در خصوص حذف فیلم «بی‌بدن» از بخش سودای سیمرغ گفت: آن روزی که این فیلم در مرحله انتخاب بوده دوستان ما بیش از ۴۰ دقیقه از فیلم را ندیدند و نتوانسته بودند جمع‌بندی کنند. البته فیلم خوبی بود و باید از عوامل و بازیگرانش تشکر کرد.



ویژه جشنواره فیلم فجر



در حاشیه برنامه‌اکران روز پنجم‌اهالی رسانه

اهالی رسانه در پنجمین روز چهل و دومین جشنواره فیلم فجر به دیدن چهار فیلم دیگر می‌نشینند. «آپاراتچی» ساخته علی طاهر فر، «مجنون» شاه‌محمدی، «بهشت تبهکاران» ساخته مسعود جعفری جوزانی و انیمیشن «رؤیاشهر» ساخته محسن عنایتی فیلم‌هایی هستند که امروز در برج میلاد برای اهالی رسانه به نمایش درمی‌آیند.

داستانی که از دل یک پژوهش بیرون آمد

علی طاهر فر درباره انگیزه خود از انتخاب داستان «آپاراتچی» که اقتباسی از کتاب روح‌الله رشیدی است، می‌گوید: اجازه بدهید کمی به عقب‌تر برگردم؛ داستان ما از اینجا شکل گرفت که بچه‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب تبریز سراغ پژوهشی درباره تاریخ شفاهی مربیان پرورشی دهه ۶۰ می‌روند و این مربیان در مصاحبه‌هایشان به فعالیت‌های آن زمان اشاره می‌کنند و می‌گویند در کنار سرود و نمایش، یک بخشی هم به نمایش فیلم در سالن مدارس اختصاص داشت. در میان فیلم‌هایی همچون «توبه نصوح»، «تینوا» و... به فیلم «نوری در تاریکی» ساخته جلیل طائفی هم اشاره می‌کنند و چندین بار این اسم تکرار می‌شود و چون این نام برای پژوهشگران گمنا‌م بوده کنج‌اکو می‌شوند که بدانند او کیست. در نهایت می‌فهمند او مردی بوده با تحصیلات ابتدایی که فیلم می‌ساخته و خودش اکران می‌کرده است. یعنی جلیل طائفی در سال‌های دهه ۶۰ خودش به تنهایی یک بنیاد سینمایی بوده که همه کارهای فیلمش از جمله فیلم‌برداری، تدوین و صداگذاری را با حلقه‌ای از دوستان نزدیکش انجام می‌داده و اتفاقاً رضا ناجی هم یکی از بازیگرانش بوده است.

وی در ادامه می‌افزاید: در ادامه بچه‌ها مسیر پژوهش را به این سمت می‌برند و نتیجه‌اش می‌شود کتاب «آپاراتچی» که به قلم دکتر رشیدی نوشته شده است. بعدها این کتاب به دست حسین تراب‌نژاد می‌رسد و جذب خرده روایت‌های جلیل طائفی می‌شود؛ از آنجایی که خودش هم عاشق داستان‌های سینماسات و تاریخ سینما را به خوبی می‌شناسد بر مبنای آن یک فیلم‌نامه می‌نویسد. مسعود ملکی، مجری طرح این پروژه نیز از ابتدای نگارش فیلم‌نامه حاضر بوده و اصرار داشته یک کارگردان ترک‌زبان این فیلم را بسازد که اتفاقاً در تبریز هم باشد. ایشان محبت کرد و با من تماس گرفت و من هم به گروه پیوستم.

روایت‌دهی ده ۶۰خرده روایت‌های «آپاراتچی» به گفته طاهر فر: حسین تراب‌نژاد باروحیه نقدپذیری که دارد همه نقدها را می‌شنید و فیلم‌نامه را مدام بازنویسی می‌کرد و در این مدت بیش از ۹ نسخه فیلم‌نامه به گروه داده است. او ادامه می‌دهد: کار نگارش این فیلم‌نامه کمی سخت بود، زیرا داستان، مجموعه‌ای از خرده روایت‌ها را پوشش می‌داد و در ارتباط با حوادث دهه ۶۰ بود؛ از ترور، شهادت، مبارمان و فضای کارگری گرفته تا بحث اعزام نیرو، تولید فیلم، ادای دین به سینما و... باید همه چیز را در این فیلم می‌گنجاند. این کارگردان درباره اینکه آیا همه خرده روایت‌های کتاب را در فیلم هم می‌بینیم، اظهار می‌کند: می‌توان گفت فیلم‌نامه برگرفته از کتاب «آپاراتچی» است، اما تخیلات تراب‌نژاد هم سهم خوبی از فیلم‌نامه را به خود اختصاص داده است. این کار سختی بود که در بطن ادای دین به تاریخ سینما به ویژه تاریخ سینمای انقلاب، رویدادهای اجتماعی، سیاسی و انقلابی آن دوران را هم بگنجانیم، اما من دوست داشتم با این چالش روبه‌رو شوم.

وی با بیان اینکه ساخت این فیلم سه دلیل بسیار برجسته برایش داشته، تأکید می‌کند: این فیلم سه ویژگی مهم داشت که من را به شدت مجذوب خودش می‌کرد. ویژگی اول این بود که جغرافیای این رویدادها آذربایجان و شهر تبریز است و فیلم‌هایی که تاکنون ساخته شده در بستر شهر تبریز نبوده و همین کار را برایم مهم‌تر می‌کرد. ویژگی دوم این بود که تمام شخصیت‌های قصه باید تبریزی باشند و اتفاق سوم علاقه خاصی بود که به نوستالژی‌های دهه ۶۰ داشتم. نوجوانی من در دهه ۶۰ گذشته و خاطرات عجیبی از آن دوران در ذهن دارم. مجموع این عوامل دلایل اصلی من برای انتخاب این فیلم بود و در اعماق وجودم این فیلم را ادای دینی به شهدا می‌دانم، زیرا حضور شهدا و نظر لطفشان را در جای جای فیلم برداری دیده‌ام و وظیفه و تکلیفم این است که حتماً از آن‌ها یاد کنم، حتی در این حد که عکس و تصویری از آن‌ها در این فیلم دیده شود.

وی در ادامه درباره لوکیشن‌های آپاراتچی و سختی‌های انتخاب یک جغرافیای مناسب می‌گوید: محل رخداد‌های این داستان، شهر تبریز است اما فیلم‌برداری در تبریز انجام نشد زیرا در بازدیدی که با جعفر محمدشاهی، طراح صحنه فیلم از تبریز داشتیم متوجه شدیم همه نقاط و محله‌های شهر توسعه یافته و نشانی از تبریز قدیم باقی‌نمانده است. بنابراین مجبور شدیم به تهران بیایم و فضای تبریز را در تهران بازسازی کنیم. اما آلمان‌هایی از تبریز مانند مسجد ارگ، میدان ساعت و... را با ویرژوال در فیلم گنجانیدیم.

طاهر فر درباره زبان این فیلم و اکتفا کردن به لهجه ترکی می‌گوید: انتخاب زبان هم برای ما با دو چالش مهم روبه‌رو بود. به دلیل اینکه جغرافیای فیلم در تبریز است حتماً باید زبان فیلم ترکی باشد و طبق

تجربه‌هایی که پیش‌تر در «موقعیت مهدی»، «آتابای»، «پوست» و «آئو» داشتیم به این نتیجه رسیدیم که به لهجه ترکی اکتفا کنیم. شاید روی کاغذ این طور به نظر بیاید که زبان ترکی برای مخاطب عام جذاب است اما در واقعیت و وقتی در سطح ملی به مسئله نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم وقتی فیلم زیرنویس دارد ناخودآگاه بخشی از مخاطب را از دست می‌دهیم. اگر فیلم من یک اثر هنری تجربی بود و محدوده مخاطبانش اندک، قطعاً زبان را ترکی انتخاب می‌کردم اما اینجا مخاطب من ملی است و نوستالژی‌های دهه ۶۰ متعلق به همه مردم ایران است و اتفاقاتی که در فیلم رخ می‌دهد مانند نماز جمعه، ترور، شهادت و... مسائلی است که همه‌با آن آشنا هستند و اگر این را به زبان ترکی و زیرنویس بیان می‌کردیم حواس‌ها معطوف به زیرنویس می‌شد و بخشی از فیلم را از دست می‌دادند.

باترس ولز سرلغ این بازیگران فتم

وی در ادامه می‌افزاید: اما در عین حال نمی‌خواستیم فیلم با زبان فارسی و لهجه تهرانی هم باشد. ما دنبال لهجه شیرین ترکی در گویش فارسی بودیم. حلقه مرکزی بازیگران ما که جامعه کارگری بود و شامل جلیل، خانواده و دوستانش می‌شد می‌بایست اصالتاً ترک‌زبان می‌بودند. برای نخستین بار با وسواس زیاد و ترس و لرز سراغ این بازیگران رفتم. در انتخاب بازیگر خیلی دچار تردید بودم که آیا می‌توانم آن لهجه شیرین را احیا کنم یا نه. این در حالی است که ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که در همه کلاس‌های بازگویی در استان‌های ترک‌نشین پیش از همه روی بیان هنر جو کار می‌کنند تا لهجه از بین برود. اما در نهایت به یک ترکیب جادویی رسیدیم که برای خودم بسیار شگفت‌انگیز بود. تورج الوند اصالتاً ترک همان

با بهنام تشکر که ترک طالاش است و هومن برق‌نورد نیز ترک است و طبیعتاً اگر بازیگر ترک زبان باشد آن لهجه شیرین از دلش درمی‌آید. خوشبختانه لهجه‌ها خیلی خوب درآمد و در تابلو کلی کار شکل گرفته است.

تصویر لحظات شیرین درباره انقلاب

طاهر فر با اشاره به علاقه‌اش برای نمایش تشییع شهدا و نماز جمعه در فیلم، یادآور می‌شود: چهل و اندی سال از انقلاب گذشته اما در فیلم‌ها کمتر چنین تصویری دیدیم و نزدیک شدن به این رویدادهای مهم تاریخی کار خیلی سختی است زیرا باید آن‌ها را به گونه‌ای روایت کرد که بیننده نسبت به آن تعلق خاطر داشته باشد و قطعاً این کار انرژی زیادی می‌برد و کار ما سخت‌تر بود چون لحظات شیرین و شوخی را در دل تشییع و نماز جمعه گنجانده‌ایم. البته قلم حسین تراب‌نژاد و احسان لطیفان در کنار موقعیت‌هایی که بازیگران به وجود می‌آوردند و درک صحیحی از کار داشتند سبب شد این کم‌دی دربیاید اما در مجموع نمی‌توانم بگویم این فیلم کم‌دی است، در حقیقت فیلم من یک اثر با شوخی‌های بسیار و لحظات شیرین در مورد انقلاب است.

این کارگردان در واکنش به اینکه آیا مخاطب با دیدن فیلمش راضی از سالن بیرون خواهد آمد یا نه، می‌گوید: ترجیح می‌دهم در جواب این پرسش یک تصویرسازی کنم و آن را با خلاصه‌ای از فیلم به شما پاسخ می‌دهم. شاید همین خلاصه داستان بتواند جوابی برای شما باشد: این فیلم داستان یک نقاش ساده‌ساختمان است که سواد خواندن و نوشتن دارد و اراده کرده یک فیلم سینمایی بسازد و با همین فیلم برود و سیمرغ جشنواره فجر را بگیرد و در این مسیر با تمام موانع می‌جنگد.

نگاهی به فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» ساخته سروش صحت یک صبحانه خیلی تلخ با زرافه‌ها



فاصله گرفتن از مشکلاتشان به مواد پناه می‌برند و هر لحظه درگیرش هستند. با وجود اینکه نتایج‌روی آوردن به مواد را هم می‌بینیم اما تا همین جای کار هم می‌تواند برای نسل نوجوان تهییج‌کننده بوده و حتی بدآموزی داشته باشد. نکته دیگر شوخی‌های اروتیک است که چند خط درمیان دیده می‌شود و از ترفندهای مورد علاقه برخی سینماگران برای خنداندن است اما دست کم از سروش صحت با عقبه‌اش انتظار می‌رفت ثر این شوخی‌ها را کمتر

زرافه‌ها بخورید یک تراژی کم‌دی است که مضامین مهمی همچون دوستی و رفقت، بخشش و گذشتن از اشتباهاتی که فرصتی برای جبران‌شان وجود دارد را نشانه گرفته و ابایی ندارد درست در میانه زندگی، گریزی هم به مرگ بزند. سروش صحت در این فیلم هم کتاب را زمین‌نگذاشته و به شیوه‌های خودش به آن ادای دین می‌کند. اما در عین حال «صبحانه با زرافه‌ها» نقاط منفی مشهودی هم دارد و روی لبه تیغ حرکت می‌کند. مت‌اصلی داستان خوشگذرانی چند رفیق است که از کوکائین زدن سرخوش اند و برای

زاویه دید

بازیگر نقش منفی فیلم «قلب رقه»:

تماشای صحنه‌های خشونت‌آمیز حالم را بد می‌کند

کریمی» «قلب رقه» روایتی جدید از سینمای ایران درباره اتفاق‌های گروه‌های تروریستی در کشور سوریه به کارگردانی خیرالله تقیانی پور است که شب‌به شب در خانه جشنواره به نمایش درآمد. عبدالرضا نصاری، بازیگر فیلم «قلب رقه» در گفت‌وگو با خبرنگار قدس درباره نزدیک شدن به نقش ابوعسام و چالش‌های پیش‌رویش گفت: من پیش‌تر سابقه‌بازی در فیلم «به‌وقت‌شام» را داشتم اما از تماشای صحنه‌های خشونت‌حالم بسیار بد می‌شود و حتی فیلم‌های ویرال شده داعش را نگاه نمی‌کردم. زمانی که این فیلم به من پیشنهاد شد هم نتوانستم بری نزدیک شدن به نقش سراغ نمونه‌های واقعی بروم و صرفاً براساس فیلم‌نامه و ذهنیت خودم آن را ساختم؛ طبیعتاً این شخصیت ذات خشن و مختصاتی داشت که با کمک کارگردان آن را شکل دادیم و به یک تعریفی رسیدیم.

وی در ادامه می‌افزاید: واقعیت این است که بازی در چنین نقشی از لحاظ حسی برای من خیلی دشوار بود و همه سکلس‌های فیلم هم سختی‌های خودش را داشت. درست است که ابوعسام بدمن فیلم است و حقارت‌هایش در فیلم نمود دارد اما فردی عاشق است که می‌خواهد ریمار تصاحب کند و همین پاشنه آشیل اومی‌شود.

این بازیگر با اشاره به آشنایی خود با زبان عربی و استفاده از لهجه روان در پیشبرد نقکش تأکید می‌کند: هر زبان ماهیت خاص خودش را دارد و همان طور که در زبان ما گویش‌های مختلفی وجود دارد در عربی هم همین طور است و لهجه‌های متفاوتی دارند اما سوری‌های یک لهجه دارند که به آن لهجه سفیدی می‌گویند که در سریال ها و به ویژه دوبله فیلم‌های خارجی از این لهجه استفاده می‌کنند. ما سعی کردیم از یک لهجه دمشق‌ی. سوری خنثی استفاده کنیم، لهجه من در این فیلم سوری بود. این لهجه را هم از کودکی‌هایم دارم که به واسطه تماشای فیلم‌های زیاد در آن سال‌ها با این لهجه آشنا شدم که آن را هم مدیون پدرم هستم.



سختی‌های ساخت فیلم در سوریه

نصاری در ادامه به بازی در سوریه و سختی‌هایی که گروه با آن روبه‌رو بوده، اشاره می‌کند و می‌گوید: باری کردن و اساساً حضور داشتن در کشوری که از ساعت ۵ عصر تا ۶ صبح خاموشی مطلق بود و عملاً چیزی به نام برق وجود نداشت بسیار سخت بود. زمانی که به دمشق و حص رسیدیم با یک اتفاق عجیب روبه‌رو شدیم که مدت‌ها به خاطرش شوکه بودیم. برخی خانه‌ها یک باتری خودرو داشتند که با آن فقط یک «ال‌ای‌دی» را روشن می‌کردند و زندگیشان در همین نور می‌گذشت. ما هم در همین شرایط کار کردیم. آنجا یک موتور برق داشتیم که در یک خودرو دبی‌لی بود و در همه صحنه‌ها همراه ما می‌آمد اما همکاری با مردم سوریه بسیار لذت‌بخش بود؛ آن‌ها علاقه بسیاری به هنرمندان دارند و حرمت ایرانی‌ها را حفظ می‌کردند.

این بازیگر درباره سختی‌های کار در یک پروژه اکشن اظهار می‌کند: به نظر من یکی از مشکل‌ترین بخش‌های فیلم، سکاتس پایانی اتوبوس است که آن را در یک صحرای عجیب و غریب گرفتیم که گرمای سوزانی داشت و سر و صورت ما در آن آفتاب به واسطه عرق چین سیاهی که روی سرمان بود دورنگ شده بود. صحرای حمص محل تردد داعش بود و یک قسمت از جاده تماماً آمین‌گذاری شده بود و حق نداشتیم آن سمت برویم و ارتش سوریه مدام به ما یادآوری می‌کرد که مراقب مین‌ها باشیم. این صحرا پر از فشنگ بود و من در همان لوکیشن مقدار زیادی پوک‌ه فشنگ جمع کردم که از زمان داعشی‌ها مانده بود.

نصاری درباره تجربه تماشای این فیلم در کنار مخاطبان می‌گوید: فیلم با سختی‌های بسیار ساخته شد اما امروز که آن را همراه مخاطبان می‌بینم یادآوری و مرور آن خاطرات برایم لذت‌بخش و جذاب است و خوشحالم که فیلم را در سینما تماشا می‌کنیم.